

سفرنامه‌نویسی خاورشناسان و تشیع ایرانی در آنها

حسن حسین‌زاده شانه‌چی*

چکیده

سفرهای اروپاییان به سرزمین‌های شرقی و جهان اسلام که از قرن یازدهم میلادی با انگیزه‌های مختلف و با روندی رو به افزایش آغاز شد، به تألیف سفرنامه‌هایی انجامید که اطلاعات فراوانی را درباره این سرزمین‌ها به اروپا منتقل می‌کرد. در این میان، سفرنامه‌های مربوط به نواحی شیعه‌نشین و به خصوص ایران عهد صفوی و پس از آن، می‌توانست منبع اطلاعاتی خوبی برای شرق‌شناسان در خصوص شناخت تشیع و شیعیان باشد. بررسی شماری از این تألیفات نشان می‌دهد، نویسندگان اروپایی آن‌ها، مطالب بسیاری در این زمینه نقل کرده‌اند که بر برخی اصول اعتقادی، آداب و رسوم، مراسم مذهبی و عبادی و نیز تاریخ شیعیان است. این مطالب را با توجه به نقاط قوت و ضعف موجود در کار سفرنامه‌نویسان می‌توان نقد و بررسی کرد؛ چنان‌که برخی از آن‌ها کاملاً مردودند و برخی اطلاعات صحیح به شمار می‌آیند.

از نقاط قوت سفرنامه‌ها می‌توان به مبتنی بودن بر مشاهدات عینی و گزارش‌گری محض اشاره کرد؛ چنان‌که تعمیم دادن قضایا و استناد به برخی منابع غیرمعتبر و شفاهی و کم بودن اطلاعات عمومی و تاریخی سفرنامه‌نویسان، از نقاط ضعف این تألیفات به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی

شرق‌شناسی، تشیع، سفرنامه‌ها.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دهقان.

سفرنامه‌نویسی

تا قرن پنجم هجری سفر و سفرنامه‌نویسی در بین شرقی‌ها و مسلمانان رواج بسیاری داشت، اما از قرن دهم وضع به گونه‌ای دیگر درآمد و انبوهی از جهان‌گردان اروپایی به سوی شرق و ایران روانه شدند و کمتر جهان‌گرد مسلمانی را می‌توان نشان داد که در این دوران به غرب سفر کرده باشد. علت این تغییر و تحول در علاقه به سیر و سفر را باید در پیشرفت و توسعه نابرابر جوامع بشری جست‌جو کرد. به تعبیر دیگر حضور غربی‌ها و یا شرقی‌ها در نقاط دوردست، منعکس‌کننده رشد اقتصادی و فرهنگی جوامع آنهاست. زمانی که جهان شرق و سرزمین‌های اسلامی در قرون وسطا پرچم‌دار تمدن و پیشرفت بودند، به اقصانقاط جهان متمدن آن روزگار نیز سفر می‌کردند و از زمانی که تحولات فکری و اقتصادی، چهره اروپا را دگرگون ساخت، جهان‌گردی نیز در بین اروپاییان رواج روزافزون یافت.

شاید بتوان اولین مسافران غربی را که از کشورهای اسلامی دیدن کردند به قرن دهم میلادی / چهارم قمری دانست، یعنی زمانی که برخی از اروپاییان مسیحی با مقاصد مختلف مثل تحصیل علوم یا تجارت، راهی سرزمین‌های اسلامی شدند که از جمله آنها باید از «گربرت» فرانسوی یاد کرد که برای تحصیل به اندلس آمد و بعدها به عنوان سیلستر دوم به مقام پاپی رسید. البته این آمدوشدها به سبب عوامل سیاسی بسیار محدود بودند و اغلب به صورت سفرنامه، مدون نمی‌شدند. چندی بعد با شروع جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۳ میلادی / ۴۸۵ قمری) راه ورود غربیان به سرزمین‌های اسلامی هموارتر شد و شمار بسیاری از نظامیان، بازرگانان و زائران اروپایی روانه این سرزمین‌ها شدند.

در این دوره نوشته‌هایی پدید آمد که آنها را می‌توان اولین سفرنامه‌های شرق دانست. برخی از این نوشته‌ها در واقع کتابچه‌های راهنمایی بودند که زائران اروپایی می‌نوشتند و به همین دلیل آنها را «راهنامه» می‌نامیدند. احتمالاً در این نوشته‌ها، اطلاعاتی درباره شهرهای اسلامی و مسلمان وجود داشته است. از نوشته‌های جالب این دوران، سفرنامه مارکوپولو، تاجر ونیزی است که ضمن سفر به چین، از برخی سرزمین‌های اسلامی نیز عبور کرد. حدود نیم قرن پس

از دیدار مارکو پولو از شرق، یکی از سفرنامه‌های جالب توجه را جان دو ماندویل، شوالیه انگلیسی نوشت. او در حدود ۱۳۲۷ میلادی روانه شرق شد و مدت مدیدی در این نواحی به سر برد. سفرنامه او به سه زبان لاتین، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است. از همین دست سفرنامه است.^۱

در قرن‌های پانزده و شانزده میلادی / نهم و دهم قمری، هم‌زمان با حاکمیت صفویان در ایران، سفرنامه‌های بسیاری تألیف شدند. در این دوره کشورهای غربی می‌کوشیدند تا به نحوی باب مناسبات سیاسی و اقتصادی را با شرق بگشایند. لذا افرادی با مأموریت‌های مختلف از اروپا به کشورهای شرقی و اسلامی می‌آمدند. روی خوشی که دولت‌های مسلمان به سفیران و سیاحان نشان می‌دادند نیز زمینه را برای سفرهای مکرر بیگانگان مساعد می‌ساخت. سفرنامه‌های این دوره بر مطالب بسیاری مشتمل است؛ به گونه‌ای که برخی از آنها مانند سفرنامه نه جلدی شاردن، به صورت دائره‌المعارفی در باب فرهنگ و تاریخ نواحی شرقی درآمده‌اند. سفرنامه ژان باتیست تاورنیه، جهان‌گرد هلندی‌الاصل پاریسی از همین قبیل است که اطلاعات بسیاری در بر دارد. در دوره‌های بعد به خصوص قرن هجدهم میلادی / سیزدهم قمری، سفرهای اروپائیان بیش از هر زمان دیگر بود و تعداد سفرنامه‌های به جا مانده از این زمان بسیار زیاد است که البته بسیار از آنها مطلب جالب توجه ندارند.

سفرنامه‌های موجود هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شوند، حال و هوایشان تغییر می‌کند و کار از بیان واقعیات و مشاهدات به بررسی اوضاع و احوال و یافتن راه‌هایی برای نفوذ آسان‌تر و سریع‌تر می‌کشد. نمونه بارزی از این‌گونه سفرنامه‌ها را در کتاب بهلر (Bohler) فرانسوی یا در گزارش چارلز فرانسیس مکنزی انگلیسی می‌توان یافت.^۲

انگیزه‌های سفر به شرق اسلامی

غریبان تحت تأثیر عوامل مختلف به نواحی شرقی می‌آمدند. ژان ژاک روسو، فیلسوف انگلیسی در قرن هجدهم در این باره می‌گوید:

۱. فؤاد فاروقی، سیری در سفرنامه‌ها، ص ۱۱، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران ۱۳۶۱.

۲. همان، ص ۱۲۲.

فقط چهار گروه به سفرهای دور و دراز می‌روند: دریانوردان، بازرگانان، سربازان و مبلغان^۱

آنکتیل دو پرون (۱۷۳۱ - ۱۸۰۵ میلادی) شرق‌شناس مشهور فرانسوی می‌نویسد:

این مسافر غالب اوقات یک نظامی است یا شخصی؛ بازرگانی است یا دولت‌مردی یا اهل قلمی است با سری مالمال از اندیشه علو حکومت‌های فائقه اروپایی؛ خورجین به دست به هندوستان می‌رود تا چهار ساله چنان باری ببندد که در کشور خودش بیست ساله هم نمی‌شد بست.^۲

با نگاهی به انواع سفرنامه‌های اروپایی می‌توان برخی انگیزه‌های غربیان برای سفر به سرزمین‌های شرقی را دریافت.

الف) انگیزه‌های مذهبی

گروهی از سفرکنندگان غربی، مبلغان مذهبی بودند که برای اشاعه مسیحیت در بین ملل شرقی به این سرزمین‌ها می‌آمدند؛ مثل قدیس فرانسوا گزاویه که برای تبلیغ مسیحیت در سال ۱۵۵۲ میلادی به بندرگوا در هند آمد و هندیان را مردمانی کوتاه‌فکر، فاسد و خائن می‌دانست.^۳

آنکتیل دو پرون در این باره چنین می‌نویسد:

مبلغان مذهبی... اغلب اوقات با اندیشه ضدیت با مذهب حاکم به شرق می‌روند... پای حرفشان که می‌نشیند انگار شرقی‌ها از نوعی غیر از اروپایی‌ها هستند.^۴

غربیان در سفرهای خود علاوه بر اشاعه مسیحیت در شرق اسلامی، در پی تضعیف و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان نیز بودند؛ از جمله می‌توان به شرق‌شناس معروف انگلیسی، پروفیسور ادوارد براون اشاره کرد که تألیفات

۱. همان، ص ۱۷۷

۲. همان، ص ۸

۳. همان، ص ۷

۴. همان، ص ۸۷

متعددی درباره تاریخ ادبیات ایران دارد و گاه او را علاقه‌مند به ایران و فرهنگ ایرانی یاد می‌کنند، ولی چنان‌که از سفرنامه وی، *یک سال در میان ایرانیان*، بر می‌آید و برخی نویسندگان مانند ذبیح‌الله منصوری نیز اشاره کرده‌اند، مقصود وی از سفر به ایران شناختن مذاهب بابی و بهایی بوده است؛ حتی برخی بر این عقیده‌اند که با توجه به توصیفات مفصل و ترحم‌آمیز وی در مورد قیام بابیان در سفرنامه‌اش^۱، هدف او تبلیغ مذاهب فوق بود، ولی به فعالیت‌های تبلیغی خود چهره تحقیقی داده بود.^۲

ب) انگیزه‌های سیاسی

برخی از سفرکنندگان به شرق اسلامی، رجال سیاسی و فرستادگان دولت‌های اروپایی بودند که برای انجام دادن مأموریت‌هایی از جانب دولت‌هایشان به این کشورها می‌آمدند؛ مانند آمبرسیو کنتارینی که طی سال‌های ۱۴۷۳ - ۱۴۷۷ میلادی به عنوان سفیر جمهوری ونیز، به منظور ایجاد پیوند بین دولت ونیز و سلطنت آق‌قویونلوها علیه امپراتوری عثمانی عازم دربار اوزون‌حسن آق‌قویونلو شد و پس از جلب موافقت وی به ایتالیا بازگشت.^۳ از آن جایی که سفر وی مأموریتی سیاسی بوده، به جمع‌آوری مطالب و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی توجه کمتری داشته است.

ج) انگیزه‌های اقتصادی

تاجران و بازرگانان نیز که یا برای منافع اقتصادی خود کار می‌کردند یا برای شرکت‌های تجاری دولت‌هایشان، گاه به نواحی شرقی می‌آمدند. این سفرهای تجاری همراه با توسعه سیاسی و نفوذ معنوی اروپا در این نواحی، گسترش یافت. نمونه‌های چندی از این قبیل را می‌توان نام برد که قدیم‌ترین آنها همان مارکوپولو به شمار می‌آید. از نمونه‌های متأخرتر شاردن، جواهر فروش فرانسوی است که در قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری چند بار به ایران سفر کرد.

۱. ترجمه مانی صالحی، ص ۳۴۴ - ۳۴۶، نشر ماه ریز، تهران ۱۳۸۱.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۳. همان، ص ۴۷.

د) انگیزه‌های علمی

در بین گروه‌های مختلفی که به سرزمین‌های اسلامی می‌آمدند، برخی از دانشمندان نیز بودند که در سفرهایشان به تحقیقات علمی می‌پرداختند.

انواع سفرنامه‌ها

سفرنامه‌های غربیان از نظر شیوه نگارش و نوع توجه نویسنده به مشاهدات و واقعیات سفر، گوناگونند و بر این اساس از ارزش و اعتبار متفاوتی برخوردارند. در ادامه به سه نوع عمده سفرنامه‌ها اشاره می‌شود:

۱. سفرنامه‌های تحقیقی

اروپاییانی که با انگیزه‌های علمی به شرق سفر کرده‌اند، اغلب در سفرنامه‌هایشان شرح مطالعات و یافته‌های علمی خود را آورده‌اند و بدین ترتیب سفرنامه‌هایشان به اثری علمی و تحقیقی تبدیل شده است. این سفرنامه‌ها از ارزش و اعتبار بسیار زیادی برخوردارند، اگر اغراض سیاسی و مذهبی در آنها وارد نشده باشد. یکی از این سفرنامه‌ها کتاب *زیر آسمان ایران* به قلم هرمان نوردن انگلیسی مقیم امریکا است که پس از جنگ جهانی اول و ظاهراً بدون مأموریت سیاسی، از ایران دیدار داشته و تحقیقات زیادی در باب مردم‌شناسی و جغرافیا و تاریخ ایران انجام داده است.

دکتر سیریل الگود، استاد دانشکده طب دانشگاه لندن و پزشک سفارت انگلیس در ایران نیز در کتاب خود، *تاریخ پزشکی ایران*، وقایع تاریخی متعددی را بررسی کرده که به علم طب وابستگی دارند و ضمن تمجید از طبیبان معروفی چون ابن‌سینا و رازی، شخصیت علمی آنان، دست‌آوردها و کشفیاتشان را در علم پزشکی معرفی می‌کند.^۱ از همین قبیل باید به سفرنامه‌های باستان‌شناسان و محققانی اشاره کرد که برای مطالعات خود به کشورهای اسلامی می‌آمدند. این سفرنامه‌ها اغلب حاوی اطلاعات ارزشمند فراوانی هستند.

۱. همان، ص ۱۴۲.

با این حال باید توجه داشت که این گزارش‌ها هر چند با انگیزه‌های مغرضانه انجام نشده باشند، خالی از اشتباه نیستند؛ چنان‌که نوردن در کتاب خود به سبب نبود آشنایی کافی با احکام اسلامی در باب ازدواج موقت و برخی مسائل دیگر، اظهار نظرهای غیرمنصفانه‌ای دارد.^۱

2. سفرنامه‌های داستانی

برخی از سفرنامه‌ها به سبب سبک نگارششان بیشتر جنبه داستانی یافته‌اند تا تحقیقی. در این تألیفات نویسنده شرح سفر خود را به صورتی داستان‌گونه بیان کرده ولی این امر بدان معنا نیست که این تألیفات به طور کامل خالی از اطلاعات ارزشمند باشند. از این قبیل آثار می‌توان به کتاب *عجایب ایران* نوشته اوتاس دو لوری و دوگلاس سلادن فرانسوی اشاره کرد که بنابه اظهار نویسندگان، شرح زندگی خصوصی یک دیپلمات مجرد فرانسوی و در واقع داستانی عاشقانه از ماجراهای این مرد فرانسوی در دربار ایران است.^۲

برای نمونه بهتری از این تألیفات می‌توان به کتاب *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* نوشته جمیز دو موریه اشاره کرد. این سفرنامه کاملاً قصه‌گونه است، با این حال اشتیاق سفر در غریبان را می‌افزود؛ چنان‌که کنت جوزف آرتور دو گوینو را دوبار به ایران کشاند. دو موریه شخصیتی تخیلی به نام حاجی بابا را از شهری به شهر دیگر می‌برد و به مقتضای حوادثی که در سفرهای او پیش می‌آید اطلاعاتی درباره مشاغل آن زمان به دست می‌دهد. مسئله‌ای که بیش از هر چیز در این کتاب خود را می‌نمایاند، تعمد دو موریه در شیاد و متقلب نشان دادن ایرانیان است.^۳

3. سفرنامه‌های گزارشی

این گونه سفرنامه‌ها اغلب حاصل مأموریت‌های سیاسی و نظامی اروپائیان است. از این قبیل آثار، سفرنامه پیر ژوبر^۴ (۱۷۷۹-۱۸۴۷ میلادی) فرانسوی، شاگرد

۱. همان، ص ۱۴۳

۲. همان، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

۳. همان، ص ۱۵۱.

4. Jaubert

شرق‌شناس معروف فرانسه، سیلواستر دوساسی است که به سبب اشتغال در وزارت جنگ فرانسه، مأمور شد تا در سال ۱۸۰۴ میلادی خبر پیروزی‌های ناپلئون بناپارت را به امپراتور عثمانی - سلیم سوم - و فتح‌علی‌شاه قاجار در ایران برساند. او طی سفر خود از آسیای صغیر، کردستان، ارمنستان و آذربایجان ایران دیدن کرد.^۱ این سفرنامه در واقع گزارشی توصیفی از شهرها، راه‌ها و حوادث مربوط به آنها، و اوضاع سیاسی و اندکی درباره آداب و سنن مردمان این نواحی است.

نمونه دیگر، سفرنامه بلهر^۲ افسر فرانسوی است که در قشون ناصرالدین شاه خدمت می‌کرد و طی مأموریت‌های نظامی به تفتیش و بررسی جغرافیای منطقه گیلان و مازندران پرداخت. او در سفرنامه خود وضعیت سوق‌الجیشی هر منطقه و اقدامات لازم برای مقابله با قشون روسیه و عثمانی را گزارش کرده است.^۳

سفرنامه‌ها و مذهب تشیع

در کنار مطلب گوناگون که در سفرنامه آمده، اطلاعاتی نیز درباره دین و مذهب مردمان شرقی به چشم می‌خورد. در این میان آنچه به تشیع مربوط می‌شود، چندان چشم‌گیر نیست و به اطلاعات مختصری محدود می‌شود. البته در این خصوص سفرنامه‌ها یک‌سان نیستند و مطالب موردنظر در برخی، بیشتر و در بعضی کمتر است. اساساً سفرنامه‌های عصر صفوی در باب مطالب مربوط به شیعه و تشیع اهمیت بیشتری دارند. نخست از این جهت که تعداد سفرنامه‌های تدوین شده در این دوران زیاد است؛ دیگر این که مسافران غربی در این دوره نخستین بار به کشوری شیعه مذهب سفر می‌کردند که فرهنگ و مظاهر تشیع تقریباً در سرتاسر آن گسترده بود و شیعیان آزادانه و علنی به مذهب خود رفتار

۱. نک: پیروپ ژوبر، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود مصاحب، ص ۲-۳، کتاب‌فروشی مهر، تبریز ۱۳۴۷.

2. Bolher

۳. نک: *سفرنامه بلهر* (جغرافیای رشت و مازندران)، به کوشش علی اکبر خداپرست، انتشارات توس، تهران ۲۵۳۶.

می‌کردند. بدین ترتیب مسافران اروپایی از نزدیک با شیعیان و فرهنگ و مذهب آنان آشنا می‌شدند و این موقعیت تا این زمان برای اروپائیان بی‌سابقه بود. از این رو در سفرنامه‌های عصر صفوی به طور نسبی، مطالبی بیشتری درباره شیعیان و مظاهر تشیع آمده است.

آنچه بر ارزش مطالب موجود در سفرنامه‌های مورد نظر می‌افزاید مطالبی است که از طریق این سفرنامه‌ها به دست اروپائیان می‌رسید. نخستین اطلاعات حاصل از مشاهدات مستقیم اروپائیان درباره تشیع و شیعیان بود که منابع اساسی برای محققان و شرق‌شناسان می‌توانست باشد؛ به ویژه آن که منابع اطلاعاتی شرق‌شناسان درباره شیعه و تشیع و نیز تألیفاتشان در این باب بسیار کم بود. گفته یکی از سفرنامه‌نویسان معروف این دوره مؤید این مطلب است. آدام اولناریوس که در زمان شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هجری) به ایران آمد و مفصل‌ترین گزارش‌ها را درباره ایران نوشته، می‌گوید:

تا آن‌جا که می‌دانم، مورخین و نویسندگان اروپایی تاکنون کتاب جامع و کاملی درباره دین و مذهب ایرانی‌ها ننوشته‌اند.^۱

هر چند شمار مسافران غربی که در عصر قاجار به ایران آمدند بسیار زیاد بود، سفرنامه‌های این عصر در موضوع تشیع ارزش و اهمیت سفرنامه‌های عصر صفوی را ندارد؛ زیرا سفرنامه‌های این دوره تحت تأثیر اهداف و عمل‌کردهای سیاسی و استعماری نویسندگانشان از پرداختن به مسائلی چون عقاید و مذهب و مظاهر آن در جامعه فاصله گرفته‌اند و تنها در برخی از آنها می‌توان نکاتی در این باب یافت.

به هر حال در سفرنامه‌های مختلف، مطالبی درباره شیعیان، اعتقادات و آداب و رسوم آنها و اموری وجود دارد که به نحوی به تشیع مربوط می‌شود؛ البته سفرنامه‌ها به جهت ماهیت اطلاعات جامعی نیستند و در واقع گزارش‌هایی پراکنده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین مطالب مربوط به تشیع که در سفرنامه‌ها بدان‌ها اشاره شده می‌پردازیم. بدیهی است که تعداد زیاد سفرنامه‌ها، بررسی همگی آنها

۱. سفرنامه آدام اولناریوس، ترجمه بهپور، ص ۷۵۴، مؤسسه انتشاراتی ابتکار، ۱۳۶۳.

دشوار کرده، علاوه بر این که تک‌تک آنها مطالبی در موضوع مورد نظر ندارند لذا در این جا مهم‌ترین سفرنامه‌های عصر صفوی و برخی از سفرنامه‌های مهم متأخرتر بررسی شده‌اند.

مهم‌ترین جلوه‌های تشیع در سفرنامه‌ها

در سفرنامه‌های مختلف اروپائیان، مطالب متنوعی درباره تشیع و شیعیان می‌توان یافت که بعضی از موضوعات آنها از تفصیل بیشتری برخوردارند و بعضی دیگر مختصرند و گاه تنها به اشاره‌ای بسنده شده است. مهم‌ترین و مفصل‌ترین این مطالب عبارتند از:

یکم. عقاید شیعه

در این زمینه به چند نکته اشاره شده است؛ از جمله:

الف) امامت

موضوع امامت اساسی‌ترین ارکان اعتقادی شیعه است که آن را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌کند همین تمایز موجب می‌شد که برخی سفرنامه‌نویسان به عقیده شیعیان در باب امامت و اختلاف آن با عقیده اهل سنت توجه کنند.

اولثاریوس به عقیده شیعیان در باب امامت توجه داشته است. او ابتدا علاوه بر بیان عقاید ایرانیان (شیعیان)، یکی از چهار رکن اختلاف عقیدتی آنان با ترکان سنی مذهب را امامت می‌داند (سه رکن دیگر عبارت است از: تفسیر قرآن، عبادات و مراسم دینی، و معجزاتی که به مقدسان نسبت می‌دهند). وی اعتقاد شیعیان را در باب امامت به طور نسبتاً مفصل بیان می‌کند و می‌گوید که به خلافت بلافصل امام علی علیه السلام قائل هستند و این که سه خلیفه دیگر به ناحق جای وی را گرفتند و امام برای حفظ اسلام و جلوگیری از تفرقه به مبارزه مسلحانه دست نزد.^۱

۱. سفرنامه اولثاریوس، ص ۷۵۵.

انگلبرت کمپفر آلمانی که در سال ۱۶۸۳ میلادی / ۱۰۹۴ قمری و در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ قمری) سفیر سوئد در ایران بود و نزدیک به دو سال در این جا اقامت داشت، در بخشی از سفرنامه‌اش، هنگام توضیح اعتقادات ایرانیان شیعه، عقیده آنان درباره وجود دوازده امام را با ذکر نام ایشان بیان می‌کند و می‌گوید:

ایرانیان شیعه بر خلاف ترک‌ها (سنی) سه خلیفه بعد از پیامبر ﷺ قبول ندارند^۱

شاردن جهان‌گرد فرانسوی که دوبار در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) و یک بار در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ قمری) به ایران آمد، نیز درباره امامت نکاتی آورده است. او پس از اشاره به عقیده شیعیان در این باب، چگونگی تعیین امام را بیان می‌کند و می‌گوید:

امام را یا پیامبر تعیین می‌کند یا امامی که پدرانش همگی مقام امامت داشته‌اند.^۲

این سفرنامه‌نویسان در بیان موضوع امامت به نکات کلی آن اشاره کرده‌اند، ولی در نکات جزئی‌تر دچار اشتباه شده‌اند؛ چنان‌که مثلاً شاردن مفهوم امامت و پادشاهی را یکی دانسته و اعتقاد امامت شیعیان را بر پادشاهی منطبق کرده است و درباره اعتقاد شیعیان می‌گوید:

بنابراین پادشاهی به تمام معنا موهبتی است که خدا به پیغمبرانش عطا می‌فرماید و پس از او این حق به امامان منتقل می‌گردد.^۳

همین‌طور کمپفر امامت را حقی خانوادگی و موروثی تصور کرده و در مورد این که منحصراً دوازده امام حق رسیدن به خلافت را دارند، می‌گوید که آنان از نسل پیامبر هستند.^۴

۱. سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، ص ۱۳۲ انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۰.

۲. سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، چاپ سوم، ص ۱۱۴۲، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۲.

۳. همان.

۴. سفرنامه کمپفر، ص ۱۳۳.

ب) امامان

اغلب سفرنامه‌نویسان مطالبی درباره امامان شیعه در آثارشان آورده‌اند. برخی که دقت بیشتری داشته‌اند از دوازده امام نام برده‌اند ولی بیشتر به تناسب حوادث سفرشان از بعضی امامان یاد کرده‌اند. از قدیم‌ترین آنها بنیامین تودولایی است که در قرن دوازده میلادی از اسپانیا به سرزمین‌های اسلامی سفر کرد و در کنار توصیف مصر، به حکومت امام علی علیه السلام فقط اشاره می‌کند و به اشتباه قاهره را مقر حکومت آن حضرت می‌داند؛^۱ گویا امام علیه السلام را با خلفای فاطمی مصر اشتباه گرفته است.

بعدها اولئاریوس در قرن هفده میلادی / یازده قمری علاوه بر بیان عقاید شیعه و سنی در باب خلافت، به اختصار به دوره حکومت امام علی علیه السلام و جنگ‌های آن حضرت و اصلاحاتش برای ارائه تفسیر درستی از قرآن که در دوره خلفا به نادرست تفسیر شده بود، می‌پردازد.^۲ او از دیگر امامان صحبت به میان نمی‌آورد و فقط می‌گوید که ایرانیان به وجود دوازده امام اعتقاد دارند^۳ اندکی بعد کمپفر در سفرنامه خود نام دوازده امام را ذکر می‌کند و در این باره توضیحاتی بسیار اجمالی می‌آورد.^۴

مفصل‌ترین مطالب درباره امامان در سفرنامه‌ها به امام رضا علیه السلام متعلق است اغلب اروپاییانی که به ایران می‌آمدند به مناسبتی درباره آن حضرت مطالبی آورده‌اند که مفصل‌ترین توضیح را می‌توان در سفرنامه کمپفر یافت. او تذکر می‌دهد که از بین دوازده امام فقط امام رضا علیه السلام در ایران و در شهر مشهد مدفون است و اعتبار و شهرت مشهد را به همین سبب می‌داند و می‌گوید که مردم از اکناف و اطراف برای زیارت به این شهر می‌روند. برداشت او از عقیده شیعیان این است که آنان بعد از امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام حضرت رضا علیه السلام را بیش

۱. سفرنامه بنیامین، ترجمه مهوش ناطقی، ص ۱۴۴، نشر کارنگ، تهران ۱۳۸۰.

۲. سفرنامه اولئاریوس، ص ۷۵۵.

۳. همان، ص ۷۵۶.

۴. سفرنامه کمپفر، ص ۱۳۲.

از دیگر ائمه محترم می‌شمرند.^۱ دیگر سفرنامه‌نویسان مانند اولتاریوس و پیترو دلاواله و آنتونیو دوگوه آ نیز به مناسبت از امام رضا علیه السلام یاد کرده‌اند.^۲

از سفرنامه‌های متأخرتر باید به سفرنامه الکس بارنز انگلیسی، عضو انجمن سلطنتی انگلستان و مأمور عالی‌رتبه کمپانی هند شرقی، اشاره کرده که در سال ۱۸۳۱ میلادی در ایام سلطنت فتح‌علی‌شاه قاجار به ایران آمد. بارنز در توصیف شهر مشهد به معرفی امام رضا علیه السلام می‌پردازد ولی در این باره دچار اشتباه می‌شود و آن حضرت را پنجمین سلاله امام علی علیه السلام می‌نامد. وی در باره علت حضور امام در این ناحیه به گفته مردم ترکستان استناد کرده که می‌گفتند امام به سبب اخلاق مردم مشهد که وضعیت زندگی در این شهر را برای امام بهتر می‌کرد، به آن جا مهاجرت نمود.^۳

ج) مهدویت

موضوع مهدویت و غیبت امام دوازدهم یکی از ویژگی‌های اعتقادی شیعیان به شمار می‌آید که در برخی سفرنامه‌ها به آن نیز اشاره شده است. اولتاریوس پس از بیان اعتقاد شیعیان درباره دوازده امام، به غائب شدن امام مهدی علیه السلام نیز اشاره دارد.^۴ کمپفر در این باب توضیحات بیشتری آورده و عقیده شیعیان را درباره ظهور و قیام حضرت مهدی و اقامه عدل و داد بیان می‌کند.^۵

شاردن در این زمینه مفصل‌تر و روشن‌تر نوشته و البته دچار اشتباهات تاریخی و عقیدتی نیز شده است. او درباره عقیده ایرانیان شیعه می‌گوید که آنان معتقدند دوازدهمین نفر از سلسله جانشینان پیامبر و آخرین امام بدون انتخاب جانشین به اراده خدا از میان خلق پنهان شد تا زمانی که به فرمان الهی ظهور کند. او کافران را مسلمان خواهد کرد و به عدل و داد پادشاهی خواهد نمود.

۱. همان، ص ۱۲۳.

۲. نک: سفرنامه اولتاریوس، ص ۴۳۸؛ نصرآ. فلسفی، زندگی شاه عباس اول، چاپ سوم، ص ۸۶۵، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۴۶۹.

۳. سفرنامه بارنز، ترجمه سلطانی‌فر، ص ۶۰-۶۲، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۶۶.

۴. سفرنامه اولتاریوس، ص ۷۵۶.

۵. سفرنامه کمپفر، ص ۱۴۴ - ۱۳۴.

شاردن در این جا اشتباهی تاریخی مرتکب شده، بدین گونه که سال غیبت امام دوازدهم (۳۲۹ قمری) را ۲۹۶ دانسته است.^۱

برخی دیگر از سفرنامه‌نویسان به خطاهای بزرگ‌تری گرفتار شده‌اند از جمله جووانی فرانچسکو کاری، جهان‌گرد ایتالیایی در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ هجری) است که درک نادرستی از مهدویت دارد و آن را به روز رستاخیز ربط می‌دهد.. وی ضمن توصیف عقیده ایرانیان به زندگی پس از مرگ، اظهار می‌دارد که انسان‌ها پس از مرگشان به عقوبتی در خور اعمالشان گرفتار می‌شوند «تا ظهور صاحب‌الزمان که دجال را خواهد کشت و طرفداران و پیروان وی را به دوزخ خواهد فرستاد». در ادامه به روز قیامت و حوادث آن می‌پردازد.^۲

دوم. آداب و سنن

در زمینه آداب و سنن نیز به این موارد اشاره شده است:

الف) زیارت

از نکات مورد توجه سفرنامه‌نویسان، علاقه ایرانیان و شیعیان به زیارت قبور ائمه و بزرگان است. به طور طبیعی بیشترین مطالب در این زمینه مربوط به زیارت قبر امام رضا علیه السلام است. کمپفر با اشاره به توجه زیاد ایرانیان به زیارت قبر امام رضا علیه السلام می‌گوید:

اعتقاد آنان بر این است که با توسل به آن حضرت بیماران شفا و نابینایان بهبود می‌یابند.^۳

اما به عقیده او شفا یافتن بیماران و نابینایان نیرنگی بیش نیست. او با بیان این که اغلب در هر ماه چهار یا پنج مورد شفایافتگی رخ می‌داد می‌گوید که اولین کسی که معجزه شفا یافتن در مرقد امام رضا علیه السلام را رواج داد شاه عباس اول بود؛

۱. سفرنامه شاردن، چاپ سوم، ص ۱۱۴۳.

۲. سفرنامه کاری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، چاپ دوم، ص ۱۵۴، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۳.

۳. سفرنامه کمپفر، ص ۱۷۸.

زیرا می‌خواست پولی را که رعایایش در سفر به کربلا و عراق خارج می‌کردند، در مملکت نگاه دارد.^۱

الکس بارنز در توصیف آرامگاه امام رضا علیه السلام به این نکته اشاره دارد که علاوه بر شیعیان اهل سنت نیز به زیارت آن حضرت می‌رفتند.^۲

نیکولای خانیکوف روسی در عهد قاجار، ضمن شرح مفصل خود از مشاهداتش در مشهد، از آمدن زائران به حرم امام رضا علیه السلام عریضه‌نویسی و حاجت‌خواهی آنان سخن می‌گوید. او با شگفتی اظهار می‌دارد، با این که امام حدود هزار سال پیش از دنیا رفته گویا: «هنوز هم در مسائل این دنیا شرکت فعال دارد»^۳ وی طبق برآوردی از غذای طبخ شده در آشپزخانه حضرتی شمار زائران امام رضا علیه السلام را بالغ بر پنجاه هزار نفر در سال تخمین می‌زند، در حالی که جمعیت مشهد در آن زمان شصت هزار نفر بوده است.^۴

کمپفر در این باب به سفرهای زیارتی ایرانیان به عراق نیز می‌پردازد، اما در این خصوص دچار اشتباه شده و گمان کرده که قبر امام علی علیه السلام در کربلاست و می‌گوید، که شیعیان به کربلا می‌روند: «... تا قبر علی مرتضی یعنی امام شیعیان را که این قدر مورد اعجاب و ستایش آنهاست زیارت کنند»^۵ از نکاتی که وی بدان اشاره داشته، مشکلات زائران ایرانی است. او اظهار می‌کند که سفرهای زیارتی ایرانیان به عراق به علت مسلط بودن ترکان (سنی) بر این ناحیه خطرهایی در بر داشت و می‌گوید که ایرانی‌ها در سفر حج، اغلب خود را شافعی مذهب معرفی می‌کردند تا از این طریق با آسایش خاطر و امنیت بیشتری سفر کنند و اگر خود را شیعه معرفی می‌کردند زندگی‌شان از طرف ترک‌ها در معرض خطر قرار می‌گرفت.^۶

۱. همان، ص ۱۸۸.

۲. سفرنامه بارنز، ص ۶۰.

۳. سفرنامه خانیکوف، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، ص ۱۱۱، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۵.

۴. همان، ص ۱۱۲.

۵. سفرنامه کمپفر، ص ۱۷۷.

۶. همان.

اولثاریوس نیز درباره عادت ایرانیان در رفتن به زیارت قبور ائمه می‌گوید که زائران پس از بازگشت، نوشته‌هایی به نام زیارت‌نامه با خود داشتند که حاکی از اعتقادات آنان بود، مبنی بر این‌که به زیارت چه اماکنی رفته‌اند.^۱ او همچنین سفر زیارتی شاه عباس به مشهد و نذورات او برای حرم و ساخت دو درب گران بها برای آن را شرح داده است.^۲

پیترو دلاواله جهان‌گرد ایتالیایی نیز از سفر زیارتی شاه عباس به مشهد برای زیارت امام و ادای نذر خویش در سال ۱۰۲۹ قمری یاد می‌کند که خودش نیز در این سفر همراه شاه بود. او اظهار می‌دارد که شاه به سبب رؤیایی که در آن با امام رضا علیه السلام دیدار داشت، در دامغان از ادامه سفر منصرف شد و به سمت آذربایجان شتافت.^۳ ژان اوتر فرانسوی فرستاده لوئی پانزدهم نیز در عصر نادرشاه درباره رفتن شیعیان به زیارت امام علی و امام حسین علیه السلام اشاره کرده است.^۴

ب) زیارت‌گاه‌ها

طبیعتاً سفرنامه‌نویسانی که درباره زیارت رفتن شیعیان مطلب نوشته‌اند، به اماکن زیارتی هم توجه داشته‌اند. زیارت‌گاه‌هایی که به طور عمده در این آثار از آن‌ها یاد شده و با مذهب تشیع پیوند دارند، دو دسته‌اند:

- قبور ائمه

بنیامین تودولایی در سفرنامه خود از قبر امام علی علیه السلام به عنوان یکی از زیارت‌گاه‌های مسلمان یاد می‌کند ولی در این باره به اشتباه افتاده، زیرا آن را در مسجد جامع شهر کوفه دانسته است. او در توصیف کوفه می‌گوید:

قبر علی بن ابی‌طالب شوهر دختر محمد، داخل مسجد بزرگی در این

۱. سفرنامه اولثاریوس، ص ۷۵۶.

۲. همان، ص ۴۳۸.

۳. زندگانی شاه عباس اول، ص ۸۶۵، به نقل از سفرنامه پیترو دلاواله، چاپ پنجم، ص ۱۸۹.

۴. سفرنامه ژان اوتر، ترجمه علی اقبال، ص ۶۶ و ۲۵۵، انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۶۳.

شهر قرار دارد و آن مسجد زیارت گاه مسلمانان است.^۱

کمپفر نیز حرم های ائمه به خصوص حرم امام رضا علیه السلام را توصیف می کند.^۲ وی درباره اعتقاد ایرانیان در زیارت آن حضرت و شفا دادن و معجزات آن حضرت سخن می راند.^۳

توصیفات بارنز درباره مرقد امام رضا علیه السلام مفصل تر است. او در مسیر خود از ترکستان به ایران، از مشهد عبور کرده و این شهر را دیده است. از این رو توصیف نسبتاً مفصلی از این شهر آورده است. بارنز پس از اشاره به وجود مدفن امام رضا علیه السلام به توصیف آن می پردازد^۴ پس از او خانیکوف روسی نیز در شرح مفصلش از شهر مشهد، به توصیف حرم امام رضا علیه السلام نیز پرداخته است.^۵ ژان اوتر فرانسوی نیز به آرامگاه امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و زیارت شیعیان اشاره دارد.^۶

- قبور امام زادگان

در سفرنامه ها از آرامگاه های امام زادگان نیز توصیفات آمده که مفصل ترین آنها درباره آرامگاه فاطمه معصومه در شهر قم است. فیگوئروا^۷ سفیر اسپانیا در درباره شاه عباس اول که در طی سفر خود از قم عبور کرد، به وجود مدفن حضرت معصومه در این شهر اشاره دارد و درباره اعتقاد شیعیان به زیارت مرقد آن بانو و معجزاتی که به وی نسبت می دهند مطالبی آورده است.^۸ هرمان نوردن که در سفرنامه اش شرحی مفصل درباره قم و وجود مقبره حضرت معصومه آورده، از روحانیت این شهر یاد می کند و اظهار می دارد که

۱. سفرنامه بنیامین، ص ۱۱۳.

۲. سفرنامه کمپفر، ص ۱۳۳.

۳. همان، ص ۱۲۳.

۴. سفرنامه بارنز، ص ۶۱ - ۶۲.

۵. سفرنامه خانیکوف، ص ۱۰۹ - ۱۲۲.

۶. سفرنامه اوتر، ص ۶۶ و ۲۵۵.

7. don Garcia de silvia Figueroa

۸. سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سعیدی، ص ۲۵۳، تهران ۱۳۶۴.

دیدن گنبد طلای با شکوه مرقد حضرت معصومه از راه دور حتی برای غیرمسلمانان حالتی توأم با احترام به وجود می‌آورد.^۱

در سفرنامه ژان باتیست فابر، سفیر فرانسه درباره شاه سلطان حسین صفوی که در زمان لوئی چهاردهم برای عقد قراردادی تجاری به درباره آمد و زنی ماجراجو به نام ماری کلود پوتی او را همراهی می‌کرد که به وجود آورنده حوادثی گوناگون در این سفر بود، نیز به وجود مدفن فاطمه معصومه در قم اشاره کرده است.^۲

شاردن نیز شرح مفصلی از حرم حضرت معصومه آورده که بیشتر توصیف ابنیه و تاریخ بنای آنهاست.^۳ البته برخی سفرنامه‌نویسان مانند اولتاریوس علی‌رغم توصیف شهر قم و تولیدات کشاورزی و صنعتیش، به مقبره حضرت معصومه اشاره‌ای نکرده‌اند.^۴

با وجود اشارات متعدد به وجود قبر فاطمه معصومه در قم، اغلب اطلاعات ذکر شده در این سفرنامه‌ها نادرست است؛ مثلاً فیگوئروا درباره شخصیت آن بانو به خطا رفته و به نقل از قاضی شهر قم می‌گوید:

این بانو که نامش لیلا است، نواده دختری محمد یعنی فرزند علی و فاطمه، دختر پیامبر بزرگ مسلمانان است که پس از شهادت برادرانش حسین و حسن، معصومانه از بغداد گریخته و بدین شهر آمده است و....^۵

او هم‌چنین اظهار می‌دارد که آن حضرت پس از ورود به قم کاروان‌سرایی مجلل و مریض‌خانه‌ای بزرگ برای اسکان و مداوای افراد غریب و بیماران بنا کرد.^۶

۱. سیری در سفرنامه‌ها، ص ۱۴۷.

۲. نک: ایوان گرس، *سفر زیبا*، ترجمه علی اصغر سعیدی، ص ۱۹۶، انتشارات تهران، ۱۳۷۲.

۳. *سفرنامه شاردن*، ص ۵۲۲ - ۵۲۶.

۴. *سفرنامه اولتاریوس*، ص ۵۲۷ - ۵۲۹.

۵. *سفرنامه فیگوئروا*، ص ۲۵۰.

همین‌طور شاردن درباره آمدن فاطمه معصومه به قم می‌گوید که چون خلفای بغداد شیعیان و ائمه را آزار و شکنجه می‌کردند، امام موسی کاظم دختر خود را به قم انتقال داد. شاردن نیز از ساخت بناهای بزرگی در قم به دست آن بانو یاد می‌کند و می‌گوید، بنا به عقیده شیعیان، آن حضرت به اراده خدا پس از وفات به آسمان عروج کرد^۱

در سفرنامه سفیر فرانسه نیز ظاهراً بنای شهر قم به زمان آمدن فاطمه معصومه نسبت داده شده، به طوری که تاریخ تأسیس این شهر را به اشتباه سال ۲۰۳ قمری نوشته است.^۲

در برخی سفرنامه‌ها از امامزادگان دیگری هم نام برده شده است. مثلاً فیگوئروا که در مسیر بازگشت خود از استان فارس عبور کرده، از امامزاده‌ای در روستایی به نام «اوجان» یاد می‌کند.^۳ همین‌طور خانیکوف روسی که طی سفر خود از شهرهای خراسان عبور کرده، آرامگاه برخی از امامزادگان مدفون در آن جا مانند امامزاده محمد محروق در نیشابور و دیگران را دیده است.^۴

ج) مراسم مذهبی

توجه به آداب و رسوم سنین ملی و مذهبی از نکات مهم در سفرنامه‌هاست. در خصوص موضوع مورد بحث آنچه بیش از همه در سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد مراسم عزاداری ماه محرم است که در اغلب این آثار از آن ذکری به میان آمده و در برخی به طور مفصل‌تر توصیف شده است. یکی از این توصیفات را در سفرنامه فیگوئروا می‌توان یافت. وی در سفر خود به ایران مدتی را در اصفهان، مرکز حکومت صفویان، اقامت کرد که این ایام مصادف با محرم و برگزاری عزاداری امام حسین علیه السلام بود. از آن جایی که محل اقامت او نزدیک مسجد جامع قرار داشت، از نزدیک شاهد برپایی این مراسم در بزرگ‌ترین شهر ایران بود. او به تفصیل از شرکت مردم در مساجد برای این

۱. سفرنامه شاردن، ص ۵۲۶.

۲. سفیر زیبا، ص ۱۹۶.

۳. سفرنامه فیگوئروا، ص ۱۹۵.

۴. سفرنامه خانیکوف، ص ۸۶ - ۸۷ و ۱۰۶.

منظور و فعالیت‌های قشرهای مختلف مردم در این ایام برای سوگواری و جمع‌آوری صدقه یاد می‌کند.^۱ وی هم‌چنین ضمن تشریح مراسم خاصی از قربانی شتر، آن را از رسوم جاهلیت می‌داند که شیعیان برای تسکین خاطر خود بدان اقدام می‌کردند.^۲ او می‌گوید که ایرانیان به سبب شهادت امام حسین علیه السلام کینه و بغضی از سنیان یعنی ترکان و عرب‌ها در سینه دارند.^۳

اولثاریوس نیز پس از اشاره به برگزاری مراسم عزاداری در ایران به مناسبت شهادت امامان به خصوص امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، می‌گوید که ترک‌های سنی مذهب به این سبب به ایرانی‌ها ناسزا می‌گویند.^۴

مفصل‌ترین شرح‌ها درباره عزاداری ماه محرم، در سفرنامه کمپفر آمده است. به نظر می‌رسد که وی از بدبینی‌هایی که فیگوتروآ در توصیفات خود از این مراسم داشته، به دور بوده و مشاهداتش را بی‌طرفانه‌تر نوشته است. کمپفر با اشاره به مدت ده روز سوگواری ایرانیان، به اختصار حوادث منتهی به واقعه کربلا و دعوت مردم عراق از امام حسین علیه السلام و اعزام سپاه از طرف یزید و شهادت امام و یارانش را شرح می‌دهد.^۵ سپس به توصیف عزاداری‌ها پرداخته، می‌گوید که مردم در میدان‌ها و معابر حاضر می‌شدند و به سخنان روضه‌خوان‌ها گوش فرا می‌دادند که هر روز یک فصل از کتاب *روضه‌الشهدا* را قرائت می‌کردند. بعد از ظهرها نیز وسایل لازم برای آتش افروختن و ایجاد روشنایی را فراهم می‌آوردند تا مراسم عزاداری شبانه را که سینه‌زنی بود، برگزار کنند. از دیگر برنامه‌های این مراسم ساختن شبیه تابوت امام حسین علیه السلام و کودک خردسال او بود.^۶ او اشاره می‌کند که گاه برخی از عزاداران که دچار هیجان بسیار می‌شدند اقدام به قمه‌زنی می‌کردند.^۷

۱. سفرنامه فیگوتروآ، ص ۳۰۷ - ۴۱۰.

۲. همان، ص ۴۱۴.

۳. همان، ص ۳۰۷.

۴. سفرنامه اولثاریوس، ص ۷۵۷.

۵. سفرنامه کمپفر، ص ۱۸۰.

۶. همان.

۷. همان، ص ۱۸۱.

جووانی کارری جهان‌گرد ایتالیایی نیز از مراسم عزاداری محرم و عاشورا یاد می‌کند، اما در این باره دچار اشتباه شده، این عزاداری را به مناسبت شهادت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌داند که در نزدیکی بغداد به دست عمر اتفاق افتاد. وی درباره این مراسم می‌گوید که به مدت ده روز میدان‌ها و گذرگاه‌ها روشن و چراغانی بود و علم‌های سیاه در آنها برافراشته و در سر هر گذری چند ملا بر منابر می‌نشستند و مناقب و مصائب شهدای کربلا را می‌خواندند. مردم به نشانه عزا لباس‌های سیاه یا سرخ می‌پوشیدند و به سخنان واعظ گوش می‌دادند.^۱

به جز ایام سوگواری عاشورا، درباره دیگر مناسبت‌های مذهبی شیعیان مطالب کمتری در سفرنامه‌ها وجود دارد. تنها در سفرنامه کمپفر به تفصیل مناسبت‌های مختلف سال بیان شده‌اند. وی از مراسم روز اربعین امام حسین علیه السلام نام می‌برد که به زعم او بنا به عقیده شیعیان روزی است که سر بریده امام علیه السلام به بدن آن حضرت ملحق شد که بعد از چهل روز هنوز سالم بر زمین مانده بود. کمپفر این حادثه اعجازگونه را به ماجرای قتل یکی از قدیسان لهستانی تشبیه می‌کند.^۲ او هم‌چنین از بیست و هشتم ماه صفر یعنی روز مسمومیت و شهادت امام حسن علیه السلام یاد می‌کند.^۳ اما درباره مراسم خاص این روز توضیحی نمی‌آورد. همین‌طور درباره نیمه شعبان می‌گوید که به اعتقاد ایرانیان ملائکه دفترهایی را که نام زندگان در آنها ثبت است می‌گشایند و به همین سبب این شب را شب برات نامیده‌اند.^۴ از مناسبت‌های دیگری که وی بدان اشاره کرده، شب‌های قدر و توضیح می‌دهد که مردم در این شب‌ها که موقع استجابت دعاست، در مساجد یا در خانه‌ها به دعا و نیایش می‌پردازند.^۵ او همین‌طور درباره عید غدیر توضیحات نسبتاً مفصلی آورده و می‌گوید که به اعتقاد ایرانیان هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام با یک‌دیگر مصافحه می‌کردند، در اثر معجزه

۱. سفرنامه کارری، ص ۱۴۸.

۲. سفرنامه کمپفر، ص ۱۸۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۸۲.

۵. همان.

حیرت‌انگیزی، به یک جسم و روح تبدیل شدند و به همین دلیل شیعیان در این روز جشن با شکوهی برگزار می‌کنند. سپس اضافه می‌کند که این اتحاد جسم و روح دلیل و مدرک خوبی است برای ایرانی‌ها (شیعه) بر ضد ترکان سنی و آن را نشانه‌ای قاطع می‌دانند از تصمیم پیامبر برای تعیین حضرت علی علیه السلام به جانشینی خود، زیرا ایشان بیش از دیگران مورد علاقه پیامبر بودند.^۱

سوم. احکام عبادی

در سفرنامه به ندرت به برخی مسائل عبادی شیعیان اشاراتی شده که این نیز به مناسبت ذکر مطالبی دیگر بوده است. مثلاً اولئاریوس درباره استفاده ایرانیان از مهر در نماز و تهیه مهرهایی از تربت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام مطالبی نوشته است.^۲

کمپفر نیز ضمن اشاره به این رسم ایرانیان درباره علت آن، به اشتباه می‌گوید: در حین نماز باید زمین را بوسه زد و از آن جایی که خاک همیشه آلوده و ناپاک است مگر آن که استخوان پاکان را در خود مدفون کرده باشد.... ایرانیان تربت علی را برای مهر نماز برگزیده‌اند.^۳

از همین قبیل است برخی احکام مربوط به نماز مانند شیوه وضو گرفتن، نماز خواندن با دست آویخته و نحوه سلام دادن در نماز که اولئاریوس از آنها نام برده و به اختلاف نظر شیعیان و اهل سنت در این موارد اشاره کرده است.^۴ بدین ترتیب در شرح‌ها و گزارش‌هایی که اروپائیان از سفرهای خود به نواحی شیعه‌نشین در رأس آنها ایران ارائه داده‌اند مطالبی درباره عقاید و آداب و رسوم شیعیان آمده که به یقین مورد استفاده شرق‌شناسان و محققان در این حوزه قرار می‌گیرد. البته بدیهی است که همه مطالب یاد شده از دیدگاه تاریخی و عقیدتی شیعی پذیرفتنی نیستند و به نقد و بررسی نیاز دارند.

۱. همان، ص ۱۸۳.

۲. سفرنامه اولئاریوس، ص ۷۶۰.

۳. سفرنامه کمپفر، ص ۱۷۸.

۴. سفرنامه اولئاریوس، ص ۷۴۹ - ۷۶۱.

ارزش‌گذاری بر مطالب سفرنامه‌ها

علی‌رغم این که سفرنامه‌ها، اطلاعات متنوع و نسبتاً فراوانی را درباره تشیع و شیعیان در اختیار اروپائیان قرار داده، باید توجه داشت که مطالب آنها در این خصوص، ارزش و اعتبار یک‌سانی ندارند و ارزش آنها به نقاط قوت و ضعف کار سفرنامه‌نویسان بستگی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مهم‌ترین نقطه قوت و جنبه مثبت سفرنامه‌ها، بیان مشاهدات عینی است که از معتبرترین شیوه‌های انتقال اطلاعات و معیاری برای سنجش گزارش‌ها و اخبار به شمار می‌رود. به طور طبیعی مطالبی را که گزارش‌گر (با فرض بر وثاقت و راست‌گویی وی) بر اساس دیده‌ها و شنیده‌های مستقیم خود نقل می‌کند، از مطالبی که با واسطه و از طریق دیگران بازگو می‌نماید، ارزش بیشتری دارد. از آن جایی که گزارش‌های سفرنامه‌نویسان تقریباً به تمامی بر اساس مشاهدات عینی آنان و رسوم، زندگانی مردم، اوضاع شهرها، برگزاری مراسم دینی و توصیف اماکن مذهبی مصداق بیشتری می‌یابد، زیرا به طور معمول مسافران اروپائی این امور را در حین سفر به چشم خود می‌دیدند.

نکته دیگری که از موارد اعتبار سفرنامه‌ها به شمار می‌رود، گزارش‌گری محض است. به این معنا که سفرنامه‌نویس فقط به بازگو کردن گزارش دیده‌ها و شنیده‌های خود بسنده می‌کند و از بیان برداشت‌ها و دیدگاه‌های شخصی خود پرهیز می‌نماید. این ویژگی موجب می‌شود که خواننده با مجموعه‌ای از اطلاعات پردازش نشده، بی‌طرفانه و به دور از پیش‌داوری‌های نویسنده روبه‌رو گردد و در نتیجه‌گیری و قضاوت خود تحت تأثیر دیدگاه خاصی قرار نگیرد. البته این ویژگی در همه سفرنامه‌ها وجود ندارد و برخی از سفرنامه‌نویسان نه تنها به تحلیل و داوری در مورد مشاهدات خود پرداخته‌اند، بلکه گاه در نقل آنها نیز جانب‌دارانه رفتار کرده‌اند. از همین مورد می‌توان به توصیفات فیگوئروا درباره مراسم عزاداری ماه محرم یاد کرد. او در گزارش خود از این مراسم با تأکید بر برخی اتفاقات در این ایام، برپایی عزاداری را به صورت دکانی برای سوءاستفاده برخی سودجویان به تصویر می‌کشد.^۱

۱. سفرنامه فیگوئروا، ص ۳۰۷ - ۳۱۰.

کارهای سفرنامه‌نویسان اشکالات و کاستی‌هایی نیز دارد که از جنبه‌های ضعف آنها به شمار می‌روند. یکی از این اشکالات، تعمیم دادن قضایاست. به این معنا که سفرنامه‌نویسان مشاهدات مقطعی خود را که به زمان و مکان و یا شخص خاصی تعلق داشته، عمومیت داده و از آن به عنوان قانونی کلی یاد کرده‌اند. در موارد متعددی مشاهده می‌شود سفرنامه‌نویس از رفتارها و باورهای یک شخص به عنوان آداب و سنن و باورهای عمومی جامعه یاد می‌کند.^۱

از دیگر اشکالات کار برخی سفرنامه‌نویسان نقل از منابع شفاهی غیر معتبر است. این اشکال بیشتر در بیان اعتقادات شیعیان و مطالب تاریخی نمایان می‌شود، مانند مطالبی که اولئاریوس و کمپفر در موضوع امامت و مهدویت آورده‌اند.^۲ و یا گزارش فیگوئروا درباره شخصیت فاطمه معصومه دختر امام هفتم که در قم مدفون است.^۳ هم‌چنین کم بودن اطلاعات تاریخی و عمومی سفرنامه‌نویسان در مورد مذهب تشیع و شیعیان را باید به این موارد افزود که در مجموع موجب شده تا برخی اطلاعات نادرست و بعضی برداشت‌های اشتباه در آثار آنان راه یابد.

بی‌شک بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر سفرنامه‌ها نکات بیشتری را درباره جایگاه آنها در مطالعات شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در اروپا روشن می‌سازد.

۱. نک: سفرنامه‌کاری، ص ۱۶۲؛ سفرنامه اولئاریوسی، ص ۲۰۵.

۲. همان، ص ۷۵۵؛ سفرنامه کمپفر، ص ۱۴۲.

۳. سفرنامه فیگوئروا، ص ۲۵۰.